

## لغت های درس ۶ فارسی

هم معنی	
فداکار: کسی که جان خود را فدا می کند. از خود گذشته	
هم نوعان: افرادی که از یک نوع هستند، هم جنس	
جاودانه: همیشه و جاوید – چیزی که تا ابد بماند	
غروب: پایان روز و هنگام قرار گرفتن خورشید در افق مغرب	
رگبار: باران تند و درشتی است که دوام ندارد. (رگبار گلوله یعنی گلوله مانند رگبار می بارید.)	
جنگ تحمیلی: جنگی است که حکومت صدام از کشور عراق، به مدت ۸ سال، میهن عزیزمان را مورد حمله قرار داد ولی در پایان بر اثر ایستادگی جوانان دلیر سرزمین ما، مجبور به عقب نشینی و شکست شد. این جنگ از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ادامه داشت.	
چوب دستی: عصا، چوبی که در دست بگیرند.	
ناودان: لوله ای که آب پشت بام از داخل آن بیرون می آید و به پایین می ریزد.	
تانک: خودروی بزرگ و سنگین جنگی که مسلسل و توپ دارد و به کمک زنجیرهایی در زیر آن قادر به حرکت در مکان های مختلف است.	
هیوزه: نام شهری در استان خوزستان	بی ادعا: کسی که ادعایی ندارد.
شریف: بزرگوار – دارای ارزش و اعتبار	افتخار آفرین: کاری که باعث سربلندی شود.
دلیرانه: شجاعانه	سبب: دلیل
ریزش: فروریختن	اشتیاق: شوق و علاقه
حتمی: قطعی	آغوش: بغل – میان دو دست
افتخار: سربلندی	پیشروی: به جلو رفتن
پای کوبی: شادی کردن	واقعه: رویداد: اتفاق
اشغال: جایی را به زور گرفتن	طراوت: سادگی – شادابی
فانوس: نوعی چراغ نفت سوز	نارنجک: نوعی بمب دستی

سر مشق: الگو	مسدود: بسته شده
غبار آلود: هوای پر از گرد و غبار	به سرعت: با عجله
متضاد	
پیشروی: عقب نشینی	بزرگ: کوچک
زیر: رو	سرد: گرم
موفقیت: شکست	همیشه: هرگز
غروب: طلوع	بسیار: کم
به سرعت: به آرامی	زندگی: مرگ
	حتمی: محال
هم خانواده	
سرعت: سریع: تسریع	شریف: اشراف: شرف
اشتیاق: شوق: مشتاق	موفقیت: موفق: توافق
احترام: محترم: حریم	شهادت: شهید: شاهد: شهدا